

ما يتعلق بالطهارة:

طهارت

س ۱ / هل (الجل) الذي يوضع على شعر الرأس حاجب للماء أثناء مسح الرأس في الوضوء ؟

پرسش ۱:

آیا پوششی که روی موی سر قرار داده می‌شود حین مسح سر در وضو مانع رسیدن آب می‌شود؟

ج / كل مادة لها جرم ظاهر بعد وضعها، أي تبقى ظاهرة وهي تغطي الموضع في الجسد كمثّل الشمع فهي تعتبر حاجباً يمنع وصول الماء للجسد أو الشعر إن وضعت عليه، ولكن عادة الشعر إذا وضع عليه شيء لا يستوعبه وتبقى فيه وفي جلد الرأس مناطق غير مغطاة ويمكن إيصال الماء لها وهذا يكفي في الوضوء عند مسح الرأس، أما المادة التي تسأل عنها بالخصوص (الجل) فأنت تشخص المادة التي تستعملها إن كان لها جرم أم أنّ الجسد يمتصها بحيث لا تكون حاجباً يغطي الشعر وجلد الرأس، فإذا كانت تمتص فلا تعتبر حاجباً، وإن كانت تبقى كطبقة تغطي الشعر والجلد عندها إذا بقيت مناطق ولو متقطعة من الشعر والجلد غير مغطاة فيكفي وصول الماء لها عند المسح في الوضوء، أما إذا كانت حاجباً وغطت شعر وجلد الرأس كله عندها لا بد من إزالة الحاجب ليتحقق المسح.

پاسخ:

هر جسمی که پس از قرار گرفتن در محل خود دارای جرم ظاهری باشد، یعنی پیدا و آشکار بماند به‌گونه‌ای که آن قسمت از بدن را که روی آن قرار گرفته است بپوشاند مثل موم- عایق و پوششی محسوب می‌شود که مانع رسیدن آب به بدن یا مو - اگر روی آن قرار گرفته باشد- می‌شود؛ اما معمولاً چیزی که روی موی سر قرار می‌گیرد همه آن را نمی‌پوشاند و قسمت‌هایی از مو یا پوست سر برهنه می‌ماند و آب می‌تواند به آن قسمت‌ها برسد؛ همین مقدار برای مسح سر در وضو کفایت می‌کند. اما در خصوص جسمی (پوششی) که شما پرسیدی باید مشخص کنی این ماده‌ای که استفاده می‌کنی جرم دارد یا بدن آن را جذب می‌کند به‌گونه‌ای که دیگر حاجب و پوششی که مو پوست سر را بپوشاند محسوب نمی‌شود. اگر به‌مرور جذب شود، پوشش و عایق محسوب نمی‌شود و اگر همانند

لایه‌ای باشد که مو پوست را می‌پوشاند، در این صورت اگر قسمت‌هایی از سر و پوست -هرچند به صورت قطعه‌قطعه و تکه تکه- برهنه مانده باشد رسیدن آب به آن‌ها برای مسح در وضو کفایت می‌کند، اما اگر عایق باشد و همه مو پوست سر را بپوشاند، در این صورت چاره‌ای جز برطرف کردن آن عایق برای صورت پذیرفتن مسح وجود ندارد.

س ۲/ هل قبتا الرجل هي أعلى ما في القدم، أم القبتان على جانبي القدم؟

پرسش ۲:

آیا منظور از دو برجستگی پا، بالاترین نقطه روی پا است یا دو برجستگی دو طرف پا؟

ج/ القبتان أعلى ما في القدمين.

پاسخ:

دو برجستگی در بالاترین نقطه دو پا می‌باشند.

س ۳/ عندي حالة صحية، هي قطع في أنبوب المني نتيجة عملية جراحية، وعندما أمارس الحالة الجنسية لا يحصل عندي قذف، لكن فقط يحصل إنزال إلى الخصيتين، فما حكم ذلك من وجوب الغسل من عدمه، ذلك أثناء الجماع أو الاحتلام؟

پرسش ۳:

در نتیجه عملیات جراحی پیشگیری، لوله دفع منی در آلت قطع گردید به طوری که هنگام ممارست جنسی پرتاب منی صورت نمی‌گیرد و فقط انزال منی به بیضه‌ها انجام می‌شود. هنگام نزدیکی یا احتلام، حکم واجب بودن یا نبودن غسل، چگونه است؟

ج/ يجب عليك الغسل في كلتي الحالتين، ولكن في حال غير الجماع يجب أن يكون هناك فتور وشهوة ليجب الغسل عليك.

پاسخ:

در صورت انجام نزدیکی، در هر دو حالت، غسل بر شما واجب است اما در حالت غیر جماع اگر سستی و شهوت وجود داشته باشد، غسل بر شما واجب می‌گردد.

س ۴ / ما حکم المرأة إذا احتلمت وجلست ورات في ملابسها شيئاً، لكن لا تعلم أنه إفرازات أم سائل من الاحتلام، علماً أنها تبولت ولم يخرج شيء.
پرسش ۴:

حکم زنی که مُحتمل شده، نشسته و در لباسش چیزی دیده، ولی نمی‌داند همان ترشحاتی است که معمولاً از او خارج می‌شود یا مایعی است که در اثر احتلام جاری شده چیست؟ با علم به اینکه هنگام ادرار چیزی از او خارج نشده است.

ج / إِمْناء المرأة الذي يوجب الغسل قد بيّنت كيف يتم التحقق منه، ولكن إن احتلمت فيكفي وجود أمانة نزول السائل إلى الفرج، وإذا وجدت شيئاً في ملابسها مع كونها قد احتلمت فالأرجح أنه سائل نزل نتيجة الاحتلام ولهذا فعليها أن تغتسل إلا إن علمت أو شكّت أنه ليس كذلك.
پاسخ:

پیش‌تر کیفیت بیرون آمدن منی از زن (امناء) که غسل را واجب می‌کند بیان گردید، ولی اگر زن مُحتمل شود وجود نشانه‌ای بر سرازیر شدن مایعی روان به سمت فرج کفایت می‌کند؛ بنابراین اگر چیزی در لباسش یافت که می‌توانست در اثر محتمل شدن باشد، ترجیح برتر آن است که آن چیز همان مایع سیال سرازیر شده در اثر احتلام است که با وجود آن غسل بر او واجب می‌شود، مگر اینکه علم یا شک به خلاف آن داشته باشد.

وهذه أجوبة سابقة تبين متى يجب الغسل وكيف تشخص الحالة:

این‌ها پاسخ‌هایی است که پیش‌تر بیان شده است، که چه هنگام غسل واجب و چگونه این حالت (امنا) تشخیص داده می‌شود:

[س ۱۸ / بالنسبة للرجل لا ينقض وضوءه الوذي والودي والمذي، ولكن ما يخرج من المرأة عند المداعبة هل ينقض الوضوء أو يوجب عليها الغسل بخروجه؟

پرسش ۱۸:

وَذَى، وُدَى و مَذَى که از مرد بیرون می‌آید وضویش را باطل نمی‌کند، ولی آنچه از زن هنگام بازی و نوازش کردن شوهرش بیرون می‌آید آیا وضو را باطل می‌کند یا با بیرون آمدن آن، غسل بر زن واجب می‌شود؟

ج/ المرأة إذا أمنت تغتسل، أما ما يخرج منها عند المداعبة مع زوجها فلا ينقض الوضوء ولا يوجب عليها الغسل إلا أن رافقته رعشة أو شبق الشهوة.
پاسخ:

اگر منی از زن بیرون بیاید غسل می‌کند، اما آنچه هنگام بازی و نوازش کردن همسرش از او بیرون می‌آید وضو را باطل و غسل را بر او واجب نمی‌کند، مگر آنکه همراه با لرزش یا شهوت جنسی باشد.

س ۶۰ / إماء الرجل معلوم، فما هو إماء المرأة ؟

پرسش ۶۰:

بیرون ریختن منی مرد (امنا) روشن است؛ امنای زن چگونه است؟

ج/ الإماء في المرأة يتحقق بأمرين: شبق الشهوة أو الرعشة، ونزول السائل إلى الفرج] الأجوبة الفقهية - الطهارة.

پاسخ:

امنا در زن به دو صورت محقق می‌شود: ۱- غالب شدن شهوت جنسی یا رَخَوْت و سستی و لرزش در بدن، ۲- سرازیر شدن مایع روان به فرج. (پاسخ‌های فقهی-کتاب طهارت)

س ۵ / امرأة مضطربة العادة، في كلِّ شهر ترى الدم أكثر من عشرين يوماً، في أول الأيام مجرد قطرات دم ويستمر أكثر من عشرة أيام وبعدها يكون الدم قوياً، وأيضاً يستمر لأكثر من عشرة أيام وقد يصل إلى شهر، هل تعتبر العادة أول الأيام أم آخرها، وماذا تفعل في هكذا حالة ؟

پرسش ۵:

زنی با عادت ماهیانه مضطربه هر ماه بیشتر از بیست روز خون می‌بیند؛ در روزهای نخستین تنها چند قطره خون است و این وضعیت بیش از ده روز ادامه دارد، پس از آن خون شدت پیدا می‌کند و این حالت نیز بیش از ده روز ادامه می‌یابد و گاهی به یک ماه هم می‌رسد. آیا عادت روزهای نخستین معتبر است یا عادت روزهای پایانی؟ او در این وضعیتی چه کار کند؟

ج / تعتبر بداية أيام عاداتها عند بدء نزول الدم بقوة، وتحسب عدد أيام عاداتها بعدد أيام نساءها (قريباتها) إن اتفقت وسبعة أيام إن اختلفن، وبقية الأيام التي ينزل فيها الدم سواء قبل أيام الحيض أم بعدها تعتبرها استحاضة، وقد بيّنت أحكامها بالتفصيل فيمكن الرجوع لها في الشرائع.

پاسخ:

شروع روزهای عادتش را هنگام شدت یافتن خروج خون قرار دهد و تعداد روزهای عادتش را همانند روزهای عادت زنان (نزدیکانش) محاسبه کند البته اگر همه در عادت به یک شکل هستند. و اگر باهم اختلاف داشتند هفت روز را ایام عادت خود محاسبه کند و بقیه ایامی که خون از او خارج می شود خواه پیش از روزهای حیض باشد یا پس از آن- استحاضه به حساب می آورد. تفصیل احکام آن را پیش تر بیان کردم، می توان به کتاب شرایع مراجعه نمود.

س ۶ / بسبب حالات مرضية معينة لدى المرأة الحامل، يخرج سائل مائي من الرحم بتدفق، هو على الغالب يكون السائل المحيط بالجنين داخل الرحم، وكان وقت خروجه مرة في نهاية الشهر السابع من الحمل، ومرة ثانية في منتصف الشهر الثامن. السؤال هو: ما حكم هذا السائل من حيث نجاسته أو طهارته؟

پرسش ۶:

به علت حالات بیماری مشخصی که برای زن باردار وجود دارد، از رجمش مایعی روان به یکباره بیرون می ریزد. این مایع غالباً همان مایعی است که در اطراف جنین در داخل رحم وجود دارد و یکمرتبه در پایان ماه هفتم و بار دوم در وسط ماه هشتم بارداری بیرون می ریزد. پرسش: حکم این مایع از نظر پاک یا نجس بودن چیست؟

ج / ظاهر.

پاسخ:

پاک است.

س ۷ / هل العادة السريّة محرمة دون إدخال جسم صلب، أقصد بشكل سطحي فقط، وماذا إن كانت النية تجنب الوقوع في الحرام؟ وهل يتوجب الاغتسال بعده؟

پرسش ۷:

آیا استمنا بدون وارد کردن در یک شیء سفت و محکم حرام است؟ منظورم فقط سطحی است، حتی اگر نیت، جلوگیری از وقوع در حرام باشد؟ و آیا پس از آن غسل واجب می شود؟

ج/ العادة السرية حرام شرعاً، أما إذا كنتم تريدون مقارنتها بارتكاب فاحشة الزنا والعياذ بالله فالزنا أشد حرمة؛ لأنه من كبائر الذنوب، ولا تحل العادة السرية إذا فعلها شخص وهو يظن أنه بهذا يريد الابتعاد عن الزنا. ويجب غسل الجنابة على من أمني (خرج منه المني بدفق وشهوة)، وكذا يجب الغسل على المرأة إن أمنت كما ذكرته في الشرائع.

پاسخ:

استمنا شرعاً حرام است ولی اگر بخواید آن را با ارتکاب فاحشه زنا العیاذ بالله قیاس کنید، حرمت زنا بیشتر و شدیدتر است؛ چراکه از گناهان کبیره می باشد. اینکه شخصی گمان کند به وسیله استمنا می خواهد از زنا دور بماند باعث حلال شدن استمنا نمی شود.

بر کسی که منی از او خارج شود (منی با جستن و با شهوت از او خارج گردد) غسل جنابت واجب است. همچنین اگر از زن نیز منی خارج شود غسل بر او واجب می گردد. این مطلب را در کتاب شرایع بیان داشته ام.

س ۸/ ما حکم من لم نعلم دیانته، أو لا نعلم إن کان متدیناً أم لا، من حیث النجاسة والطهارة؟ مع العلم أنني أقیم فی بلد الأكثرية فيه هي اللادينية أو البوذية، ویوجد هناك مسیحیون ولكن قلة نسبة إلى اللادینیین.

پرسش ۸:

حکم کسی که نمی دانیم بر چه دینی است یا نمی دانیم بر دینی هست یا نه از نظر نجس یا پاک بودن- چیست؟ با توجه به اینکه من در کشوری اقامت دارم که بیشتر آنان بی دین یا بودائی هستند؛ عده ای نیز مسیحی هستند ولی نسبت آنها در برابر بی دین ها بسیار اندک است.

ج/ إذا كان الأغلبية هذا حالهم، فمن تجهل حاله تعدّه من الأغلبية حتى تعرف حاله، هذا من جهة النجاسة والطهارة بما يخص الطعام والصلاة وغيرها، ولكن أنتم تعاملوا بالإحسان مع الناس، فالأخلاق الطيبة هي سفیرکم إلى الناس لتعرفهم بالحق.

پاسخ:

وقتی وضعیت بیشترشان به این صورت است (بی دین یا بودائی هستند) کسی که وضعیتش ناشناخته است جزو گروه اکثریت به شمار می آید تا وقتی که وضعیتش مشخص شود. این حکم از نظر نجس یا پاک بودن برای آنچه به غذا، نماز و سایر موارد مربوط می شود، می باشد؛ اما شما با احسان و نیکوکاری با

مردم رفتار کنید؛ چراکه اخلاق پاک و طیبه، سفیر شما در میان مردم است تا حق را به آنان بشناساند.

س ۹ / نحن نعيش في دول أجنبية، وفيها الكفار وغيرهم، ونسكن في بيوت هذه الدول وننتقل كل فترة من بيت لآخر، فهل نحمل هذه البيوت على الطهارة أو لا، من حيث استعمال بعض الأواني الموجودة فيه أو لمس أبوابها وغير ذلك؟
پرسش ۹:

ما در دولت‌های بیگانه که در آن‌ها کفار و غیر کفار وجود دارند زندگی می‌کنیم. ما در منازل این دولت‌ها سکونت داریم و در هر دوره‌ای از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر نقل مکان می‌کنیم. آیا این خانه‌ها را پاک فرض بگیریم یا نه؟ از نظر استفاده از برخی از ظرف‌های موجود در این خانه‌ها یا تماس بدن با درها و یا چیزهای دیگر.

ج / نعم، البيوت تعتبرونها ظاهرة إلا مواضع التماس برطوبة كالحمامات، فهي إن لم يكن بها عين النجاسة تعتبر متنجسة، وللتنبية فإن المتنجس لا ينجس غيره لو مسّه برطوبة.
پاسخ:

این خانه‌ها پاک شمرده می‌شوند مگر جاهایی که با رطوبت تماس داشته باشند مثل حمام‌ها. که اگر عین نجس در آن‌ها نباشد متنجس محسوب می‌شوند. شایان ذکر است که متنجس غیر از خودش را نجس نمی‌کند، حتی اگر آن را به صورت مرطوب لمس کند.

س ۱۰ / عرفت أنّ بعض الدول الأوربية يعيدون مياه الصرف الصحي إلى مياه صالحة للشرب، فهل يجوز شربه واستعماله؟ علماً أنّ بعض الأنصار يعيشون في تلك الدول.
پرسش ۱۰:

فهمیده‌ام که برخی کشورهای اروپایی آب‌های بازیافتی را به آب شرب تبدیل می‌کنند. آیا نوشیدن و استفاده از این آب‌ها جایز است؟ با توجه به اینکه بعضی از انصار در این کشورها زندگی می‌کنند.

ج / يجوز تعديل المياه الثقيلة لتصبح صالحة للشرب، ولا إشكال في استعمال المياه بعد تعديلها.
پاسخ:

تبدیل آب‌های بازیافتی به آب شرب جایز است و در استفاده از این آب‌ها پس از تبدیلیشان اشکالی وجود ندارد.

س ۱۱ / ما هو حکم الثلج الذي (يلعط) منه الكلب، هل نعتبره نجساً طاهراً؟ وإذا نجس ما هي طريقة تطهيره؟
پرسش ۱۱:

حکم یخی که توسط سگ لیسیده شده باشد چیست؟ آیا نجس شمرده می‌شود یا پاک؟ و اگر نجس باشد به چه صورتی پاک می‌شود؟

ج / إذا كنت تقصد أنّ الكلب يقوم بلعق الثلج فيمكن تطهير الثلج بغسله بالماء، ويكفي في تطهيره علمك أنّ مخلّفات لعق الكلب غسلت من على الثلج أي غسلة الإزالة وغسلتين بعدها.
پاسخ:

اگر منظور شما این باشد که سگ آب دهانش را بر روی یخ بهجا گذاشته است، پاک شدن یخ با شستن آن با آب امکان‌پذیر می‌باشد. در تطهیر آن، علم به اینکه باقی‌مانده‌های آب دهان سگ از روی یخ شسته شده است کفایت می‌کند؛ یعنی یکبار شستن آن برای برطرف شدن نجاست و دو بار آب کشیدن پس از آن کفایت می‌کند.

س ۱۲ / (وتكره الطهارة بماء أسخن بالشمس في الآنية)، هذه عبارة وردت في الشرائع، فهل المقصود منها تعمد تسخين الماء بالشمس، أم أنّ الحكم يشمل كل ماء يكون في الشمس كالخزانات فوق البيوت؟
پرسش ۱۲:

عبارتی که در کتاب شرایع آمده است: (طهارت با آبی که بهوسیله تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد مکروه است). آیا منظور از این عبارت، تعمد در گرم کردن آب با تابش خورشید است یا این حکم برای هر آبی است که در برابر خورشید قرار گرفته باشد؛ مانند آب‌گرم‌کن‌های خورشیدی که بر بام خانه‌ها قرار دارند؟

ج / [وتكره الطهارة بماء أسخن بالشمس في الآنية]: المراد هو ما يتمّسخينه بالشمس مكشوفاً، فلو كان مغطى لا كراهة حتى وإن تعمد تسخينه بالشمس.
پاسخ:

منظور از (طهارت با آبی که به وسیله تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد مکره است) این است که آب به وسیله تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد؛ بنابراین اگر آب پوشیده باشد کراهتی در آن نخواهد بود، حتی اگر به عمد با تابش خورشید گرم شده باشد.

س ۱۳ / هل يمكن إرسال الأوراق التي عليها آيات قرآنية أو احد أسماء الأولياء التي يحرم تنجيسها إلى أماكن إعادة تصنيع الورق بدلاً من الإلقاء في مياه الأنهار؟

پرسش ۱۳:

آیا می‌توان به جای ریختن کاغذهایی که آیات قرآنی یا نام یکی از اولیای الهی که نجس کردنشان حرام است بر آن‌ها نوشته شده در آب رودخانه‌ها، آن‌ها را به صنایع بازیافت کاغذ بازگرداند؟

ج / يمكن إرسالها إذا علمت أن الكتابة لن تتجس أثناء معالجتها.

پاسخ:

اگر دانسته شود که این نوشته‌ها طی فرآیند بازیافت به هیچ وجه نجس نمی‌شوند، می‌توان فرستاد.

س ۱۴ / هل يجوز حرق الأوراق التي كتب عليها البسمة أو آية قرآنية حفاظاً عليها من الدنس؟

پرسش ۱۴:

آیا می‌توان کاغذهایی که رویشان بسمله یا آیه قرآن نوشته شده است را به جهت حفظ کردنشان از نجس نشدن سوزاند؟

ج / لا يجوز حرق أوراق مكتوب فيها القرآن أو البسمة، ويجوز إلقاؤها في الماء الطاهر.

پاسخ:

سوزاندن کاغذهایی که قرآن یا بسمله رویشان نوشته شده است، جایز نیست و جایز است در آب پاک افکنده شوند.

س ۱۵ / هل يجوز إحراق القرآن الكريم أو غيره من الكتب التي تحتوي أسماء الله (جل جلاله)، أو أسماء النبي وأهل بيته الكرام (عليهم السلام) بحجة تهرؤ الكتاب وتقدم

أوراقه؟ أم أنّ هناك شيئاً آخر غير الإحراق، لإكرام أسماء الله وأسماء آل محمد الطاهرين (عليهم السلام)؟

پرسش ۱۵:

آیا سوزاندن قرآن کریم یا کتاب‌هایی که اسم‌های جلالت خدا (الله) یا اسم‌های پیامبر و اهل بیت گران‌قدرش (عليهم السلام) را در بردارد، به دلیل کهنه شدن و از بین رفتن کتاب و ورق‌ورق شدنش جایز است؟ یا غیر از سوزاندن به جهت گرامی داشت اسم‌های خدا و محمد و آل پاک محمد (عليهم السلام) - راه دیگری وجود دارد؟

ج/ لا يجوز الإحراق وتلقى في ماء ظاهر كالأنهار والبحيرات.

پاسخ:

سوزاندن جایز نیست و باید در آب پاک مثل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها - افکنده شود.

س ۱۶/ سؤالي عن النجمة السداسية، هل يجوز الدخول بها إلى الحمامات أو دورات المياه؟

پرسش ۱۶:

پرسش من درباره ستاره شش‌پر است: آیا همراه داشتن آن هنگام ورود به حمام و سرویس‌های بهداشتی جایز است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.